

تحلیل موانع توسعه کارآفرینی زنان در نواحی روستایی

مورد: روستاهای شهرستان چرداول

داود جمینی*؛ عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، کردستان، ایران.
علیرضا جمشیدی؛ دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و مدرس گروه جغرافیای دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
حسین کماسی؛ دانشجوی دکترای گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
عطا هوشنگی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، گرایش انرژی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۹/۱۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی بوده که به صورت موردی در میان زنان روستایی شهرستان چرداول انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان واقع در ۱۲۸ روستای شهرستان چرداول تشکیل می‌دهد که با استفاده از فرمول کوکران، ۲۶۲ نفر از آنان (واقع در ۱۹ روستا) به‌عنوان نمونه، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. ابزار اصلی پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بوده که روایی آن توسط اساتید دانشگاهی و کارشناسان مربوطه تأیید گردید. برای بررسی پایایی ابزار تحقیق، یک مطالعه پیش‌آهنگی در روستای بدرآباد با استفاد از ۳۰ پرسشنامه ترتیب داده شد که پایایی ابزار تحقیق با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۰۷ به‌دست آمد و نشانگر قابلیت اطمینان ابزار تحقیق است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد در بین ۴۳ متغیر مورد بررسی، به ترتیب سه متغیر "نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی"، "نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی" و "پایین بودن سطح ریسک جهت فعالیت‌های کارآفرینانه" با ضریب تغییرات ۰/۱۸۱، ۰/۱۹۴ و ۰/۲۲۰، از نظر زنان روستایی شهرستان چرداول مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی بوده است. همچنین، تحلیل عامل اکتشافی، هشت مانع اصلی را به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در محدوده مورد مطالعه شناسایی کرد که به ترتیب اهمیت عبارتند از: عامل اقتصادی (۱۴/۱۵۹)، عامل اجتماعی - فرهنگی (۱۰/۶۰۶)، عامل آموزشی - ترویجی (۹/۵۹۹)، عامل فردی و رفتاری (۶/۵۴۲)، عامل زیرساختی (۵/۶۶۸)، عامل سیاست‌گذاری (۵/۰۷۵)، عامل فنی - مدیریتی (۴/۴۷۸) و عامل محیطی (۴/۳۷۴). عوامل مذکور در مجموع ۶۰/۵ درصد از کل واریانس موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول را تبیین نموده است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، موانع کارآفرینی، توسعه روستایی، زنان روستایی، شهرستان چرداول.

(۱) مقدمه

دستیابی به توسعه و توسعه پایدار، عنوان هدف اصلی جوامع، زمانی تحقق می‌یابد که از تمامی عوامل، امکانات و منابع تولید به نحو مطلوبی استفاده گردد. یکی از این منابع و عوامل تولید، نیروی انسانی است. نیروی انسانی و جمعیت فعال هر جامعه، نقش بسزایی در فرآیند تولید دارد و به‌عنوان پدیدآورنده اصلی ثروت و محرک مستقیم اقتصاد محسوب می‌شود و سطح و میزان تولید ملی هر کشور نیز به دانش و آگاهی فنی و ظرفیت تولید جمعیت فعال آن بستگی دارد (Ghanbari and et al., 2012: 75).

استفاده مطلوب از نیروی انسانی در فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال برای اقشار مختلف جامعه نمود پیدا می‌کند که به طرق مختلف، برنامه‌ریزان به دنبال فراهم کردن زمینه‌های اشتغال برای نیروی انسانی در دسترس هستند، زیرا نیروی کار منبعی برای موفقیت است و اگر از نیروی کار به درستی استفاده نشود، به جای فراهم کردن سود، زیان به همراه خواهد داشت (Çelik & Tatar, 2011: 1211). تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که کارآفرینی یکی از اثرگذارترین راه‌حل‌ها برای افزایش نرخ اشتغال و به تبع آن، کاهش نرخ بیکاری است (Stel and et al., 2004: 25). تا جایی که اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه برای فرار از بیکاری با کمک نیروی کارآفرینی، حیاتی دوباره یافته و این مهم موجب توجه خاص کشورهای مختلف به موضوع کارآفرینی شده است (Archibong, 2004: 87).

کارآفرینی در مناطق روستایی می‌تواند برطرف‌کننده بسیاری از چالش‌ها از جمله بیکاری، درآمد پایین، فقدان تنوع اقتصادی و مهاجرت باشد. با توجه به نقش غیرقابل‌انکار زنان در توسعه روستایی، تقویت کارآفرینی زنان روستایی، می‌تواند در دستیابی به اهداف توسعه پایدار در مناطق روستایی نقش موثری را ایفا نماید (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸). بنابراین، تلاش برنامه‌ریزان و کارشناسان زنان روستایی، در گام نخست، باید معطوف به جبران محدودیت‌ها، محرومیت‌ها و سوق دادن زنان روستایی به سوی تساوی اجتماعی و اقتصادی باشد و این امر جز با توانمندسازی آنان از طریق کارآفرینی میسر نمی‌شود (شریفی و عادل، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

با وجود مزایای انکارناپذیر کارآفرینی در توسعه جوامع، موانع و محدودیت‌های متعددی برای حرکت به سوی کارآفرینی در بین زنان روستایی وجود دارد؛ چرا که ظهور و توسعه کارآفرینی یک پدیده تصادفی نبوده بلکه این پدیده وابسته به فاکتورهای متعددی (از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) است که غالباً به عنوان شرایط توسعه کارآفرینی فهرست می‌گردند. بدیهی است که شناسایی موانع یا موانع پیش‌روی کارآفرینی در بین زنان روستایی، زمینه شناختی لازم را پیش‌روی برنامه‌ریزان بخش‌های خصوصی و دولتی قرار داده تا با تصمیمات مبتنی بر واقعیات عینی، اقدام به تقلیل محدودیت‌ها نموده و زمینه‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی و در نتیجه توسعه پایدار نواحی روستایی را مهیا نمایند.

شواهد حاکی از آن است که زنان روستایی شهرستان چرداول با وجود برگزاری چندین دوره کارآفرینی، در زمینه توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه تحرک چندانی نداشته‌اند. شناسایی عوامل تحقق نیافتن و یا به عبارتی موانع بازدارنده کارآفرینی در بین زنان روستایی این شهرستان مسئله‌ای است که در تحقیق پیش رو به دنبال پاسخ‌گویی به آن بوده‌ایم.

۲) مبانی نظری

کارآفرینی فرآیند ایجاد، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت به منظور تولید کالاها و خدمات‌های آتی (Shane & Venkataraman, 2000, 221)، همراه با صرف وقت، تلاش بسیار و پذیرش خطرهای مالی، روحی، اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال است (Askun & Y. Id m2011). کارآفرینی و کارآفرینان به عنوان نماد تلاش و موفقیت و همچنین، منشأ تحولات بزرگ در زمینه‌های تولیدی، خدماتی، تجاری و نیز، موتور محرک توسعه، پیشرفت اقتصادی، ایجاد شغل و اصلاح اجتماع محسوب می‌شوند (Urbano and et al., 2010).

کارآفرینی در دنیای کنونی، به دنبال تعادل بین روح، فکر و جسم است و به‌عنوان کلید حل مسائل و موانع توسعه انسانی، موضوع بحث بسیاری از اندیشمندان توسعه اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. بسیاری معتقدند کارآفرینی موتور توسعه انسانی و به‌تبع، توسعه اقتصادی کشورهاست، همچنین اینکه اگر خواهان اقتصادی پیشرفته در قرن ۲۱ هستیم، کلید آن کارآفرینی است (Carter, 2005: 39).

توسعه کارآفرینی و عوامل مؤثر بر آن در علوم مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه‌شناسان به آثار و نقش‌های کارآفرینان در جامعه وقوف کامل دارند و آنان را عاملان اشتغال‌زایی، انتقال فناوری، تعادل در اقتصادهای پویا، کاهش بروکراسی اداری، ساماندهی منابع و استفاده بهینه از آنها می‌دانند. از نظر جامعه‌شناسان، کارآفرینان می‌توانند عامل تولید سرمایه محسوب و باعث تحول و تجدید حیات ملی و محلی در جامعه شوند؛ زیرا کارآفرینی فراتر از شغل و حرفه است. کارآفرینان با شناخت، ایجاد و گسترش بازارهای جدید به ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری و نوآوری می‌پردازند و نقش و وظیفه مشخصی را در یکپارچگی و ارتباط بازارها و رفع شکاف‌ها و تنگناهای بازار و اجتماع ایفا می‌کنند. در واقع می‌توان ادعان داشت که کارآفرینان و شرکت‌ها و سازمان‌های کارآفرین با قبول مسئولیت اجتماعی خود، هم به خواسته‌های جامعه و هم به سیاست‌های دولت پاسخ مثبت داده‌اند (Alison, 1990: 165). تجربه کاری، نارضایتی از شغل قبلی، الگوی نقش، شرایط کودکی، تحصیلات، سن و جایگاه اجتماعی از جمله مشخصات جمعیت شناختی کارآفرینان محسوب می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۸۹).

نظریه‌های روان‌شناسان برای توسعه کارآفرینی، ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینان را مورد توجه قرار داده و ویژگی‌های مشخص از جمله مخاطره‌پذیری، میل به استقلال‌طلبی، تحمل ابهام، اعتماد به نفس بالا، مرکز کنترل درونی، خلاقیت و ایده‌سازی، اعتماد به نفس، آرمان‌گرایی، آینده‌گرایی، خودمحموری، پیش‌قدم بودن، فرصت‌گرایی، نتیجه‌گرایی، اهل کار و عمل بودن، ثبات و استحکام کامل در برابر هیجانات، جستجوگر اطلاعات، زیرپا گذاشتن قواعد و قوانین در صورت لزوم، ظرفیت بالا، هدف‌گرایی، قاطعیت بالا، واقع‌بینی، عدم رعایت سلسله‌مراتب، دارای تفکر مثبت، امیدور به موفقیت، توانایی بالا در تشخیص الگوها، واگرایی و داشتن تفکر جانبی و عمودی برای خلق ایده‌های جدید و توسعه آنها را، از ویژگی‌های روانی کارآفرینان و همچنین، از شروط لازم برای تحقق توسعه کارآفرینی می‌دانند (Hrivnak & Sherman, 2010). در نظریه رفتاری، کارآفرینی یکی از اساسی‌ترین وسیله ارزش آفرینی شناخته شده است. طرفداران نظریه رفتاری، فرآیند کارآفرینی را یک فرآیند پیچیده دانسته که به شدت تحت تأثیر محیط و زمینه‌هاست (ایمنی قشلاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۹).

در نظریه‌های اقتصادی، کارآفرینی واژه‌ای قدیمی و با ارزش است (Seelos & Mair, 2005). مفهوم کارآفرینی در نظام‌های اقتصادی را برای اولین بار ریچارد کانتیلون به کار برد. او برای اولین بار کارآفرینی را چنین تعریف کرد: «کسی که ابزارهای مورد نیاز برای تولید را با ارزشی معین خریداری و آنها را با هم ترکیب و کالای جدید تولید کند» (Rotheroe & Richards, 2007). اولین اقتصاددانی که مدیریت را به کارآفرینان نسبت داد، ژان باتیست سی بود که کارآفرینی را مهارت‌های مدیریت سرمایه و ثروت تعریف کرد است. شومپیتر در مدل اقتصادی خود، کارآفرینان را اولین موتور توسعه اقتصادی می‌داند و به آنان، به عنوان افرادی خلاق و رهبر نگاه می‌کند که ویژگی‌های زیر را دارند: ارائه‌کننده کالای جدید؛ معرفی‌کننده بازار جدید؛ استفاده از منابع جدید برای ایجاد کالای جدید و ایجاد سازمان‌های جدید برای صنعت (Mohapatra and et al., 2007). آدام اسمیت، نقش کارآفرینی را در صحنه فعالیت فراگیر اقتصادی بسیار جزئی می‌دانست و معتقد بود که کارآفرین فراهم‌کننده سرمایه است و هرگز نقش پیشرو و هدایت‌گرانه ندارد (Mccline, 2004).

بر اساس نظریه اقتصاددانان مدرن، کارآفرین فردی است که به صورت شخصی بر اساس درک خود از بازار، خلاقیت شخصی، قدرت خطرپذیری و مدیریت منابع، فعالیت جدیدی را ابداع و مدیریت می‌کند (Sen, 2009). به طور کلی، در نظریه‌های اقتصادی در ارتباط با کارآفرینی بیشتر به بحث نوآوری در تولید محصول و جلب سرمایه‌گذاری، ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا، ایجاد مبادله و گردش پول در اقتصاد، فراهم آوردن ابزار و تولید محصولات جدید قابل‌عرضه به بازار، تحمل عدم قطعیت، داشتن

مهارت‌های مدیریتی، جابه‌جایی منابع اقتصادی بر اساس اصول بهره‌وری، آگاهی از فرصت‌های سودآور و کشف نشده، اشاره کرده‌اند (Chowdhury, 2007).

یک موضوع اساسی در مطالعات کارآفرینی، بررسی عناصر تشکیل‌دهنده و موانع و چالش‌های پیش‌روی فرآیند کارآفرینی است. عوامل بازدارنده عواملی اضطرابی هستند که زنان را از دنبال کردن ایده کسب و کارشان منع می‌کند. مانند: افزونگی، بیکاری، ناامیدی از کار قبلی، نیاز داشتن به زندگی معقول با برنامه کاری منقطع و سنت خانوادگی در اداره کردن کار (Petridou & Glavelis, 2008). از نظر دابسون امروزه موانع عمده کارآفرینی زنان روستایی در فقدان ظرفیت‌سازی، فقدان توانمندسازی و فقدان تسریع رشد از طریق تحرک بخشی نهفته است (Dabson, 2007)، به باور الیس (۲۰۰۳)، فقدان دسترسی زنان به اعتبارات و خدمات حمایتی از موانع تأثیرگذار بر کارآفرینی زنان روستایی هستند (Ellis, 2003: 568). کرونیس، نبود نهادهای حمایت‌کننده و سازمان‌دهی ضعیف کارآفرینان زنان روستایی، پایین بودن سطح تحصیلات، وجود تبعیض در بازار کار و وجود باورهای سنتی و کلیشه‌ای درباره زنان از موانع مؤثر در توسعه و تقویت کارآفرینی زنان در مناطق روستایی است (Cronies, 2006: 243-246).

ساختارهای مردانه برتر و توزیع جنسیتی شایستگی‌ها و مهارت‌های شغلی، اصرار به پدرسالاری در خانواده‌های روستایی (Brandth, 2002)، عدم دسترسی به خدمات اطلاعاتی، آموزشی و مشورتی (Singh & Vinnicombe, 2003; Minniti, 2004)، سطح پایین مهارتی، فن‌آورانه ضعیف و منابع مالی محدود (Unido, 2004:86)، موانع علمی، فرهنگی، ایدئولوژی، تبعیض‌های اجتماعی، کمبود تسهیلات در نگهداری فرزندان، نابرابری بر پایه جنسیت در دستیابی به منابع رشدی (نظام‌های مالی و اعتباری، آموزش و اطلاعات)، سطح آموزش رسمی ضعیف (Driga and et al., 2008)، از دیگر عوامل بازدارنده کارآفرینی در بین زنان روستایی هستند. مروری بر سوابق و مبانی پژوهش، نشان می‌دهد که موانع متعددی بر سر راه توسعه کارآفرینی زنان وجود دارد. با توجه به اهمیت کارآفرینی در ارتقاء جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی و به طور کلی توسعه پایداری روستایی، محققان در پژوهش حاضر با طراحی گویه‌های متعددی، به دنبال شناسایی موانع توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی شهرستان چرداول می‌باشند. بررسی‌ها در ارتباط با موضوع پژوهش نشان می‌دهد مطالعه داخلی و خارجی متعددی در ارتباط با موانع پیش‌روی توسعه کارآفرین و به‌ویژه کارآفرین زنان روستایی صورت گرفته است که در ادامه به نتایج چند مطالعه مهم اشاره می‌گردد (جدول ۱).

جدول شماره (۱): مروری بر اهداف و نتایج مطالعات صورت گرفته در ارتباط با موضوع پژوهش

محقق	هدف	نتایج
علی میرزایی و طهماسبی (۱۳۸۹)	بررسی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان مینوبار آبادان	چهار عامل اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، شناختی و سیاست‌گذاری، مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان مینوبار می‌باشند.
شریفی و عادل (۱۳۹۰)	تبیین موانع موجود در زمینه کارآفرینی زنان منطقه جیرفت و کهنوج	مهم‌ترین موانع زنان منطقه جیرفت و کهنوج در زمینه توسعه کارآفرینی عبارت‌اند از: موانع فرهنگی - اجتماعی، خدماتی - حمایتی و قانونی،
همتی‌وینه و همکاران (۱۳۹۱)	بررسی موانع توسعه مشاغل خانگی و کسب‌وکار زنان روستایی شهرستان کرمانشاه	موانع فردی، مالی - اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و قانونی - نهادی، مهم‌ترین موانع توسعه مشاغل خانگی و کسب و کار زنان روستایی شهرستان کرمانشاه هستند. همچنین، نتایج نشان داد، در بین موانع فردی "مخالفت اعضای خانواده"، در بین موانع مالی - اقتصادی "دسترسی ناکافی به منابع اولیه برای تولید"، در بین موانع فرهنگی - اجتماعی "عدم اعتماد جامعه به زنان در راه‌اندازی کسب‌وکار" و در بین موانع قانونی - نهادی "وجود دلالت‌ها و واسطه‌ها در بازار" بیش‌ترین اولویت را به خود اختصاص داده‌اند.
علیدوست همکاران (۱۳۹۱)	اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار	موانع اقتصادی و آموزشی به ترتیب مهم‌ترین موانع در مسیر توسعه کارآفرینی زنان روستایی این شهرستان هستند
حیدری ساریان (۱۳۹۱)	اولویت‌بندی موانع مؤثر در کارآفرینی زنان روستایی	چهار مانع فردی (وضعیت تأهل، میزان تحصیلات)؛ اجتماعی - فرهنگی (حاکم بودن فرهنگ مردسالاری و باورهای کلیشه‌ای درباره زنان)؛ (ج) روان‌شناختی (پایین بودن اعتمادبه‌نفس و خودباوری زنان روستایی، فقدان ریسک‌پذیری)؛ (د) اقتصادی (فقدان دسترسی به اعتبارات و پایین بودن میزان درآمد زنان روستایی)، مهم‌ترین موانع کارآفرینی زنان روستایی هستند.
جمشیدی و همکاران (۱۳۹۲)	بررسی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی بخش میانکوه شهرستان اردل	شش عامل اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، آموزشی - مدیریتی، روان‌شناختی، فنی و سیاست‌گذاری، مهم‌ترین موانع بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان در محدوده مورد مطالعه می‌باشند.
ILO Researchers (2007)	شناسایی موانع توسعه فعالیت زنان کارآفرین در کشور ویتنام	مهم‌ترین موانع پیش‌روی زنان کارآفرین به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: فشار کار و مسئولیت خانوادگی و کمبود وقت، ضعف در ایجاد شبکه‌های ارتباطات در بین زنان، سطح تحصیلات پایین و تعصبات اجتماعی.
Roomi and Parrott (2008)	بررسی موانع توسعه و پیشرفت زنان کارآفرین در پاکستان	عدم دسترسی به سرمایه، زمین، محل کسب‌وکار، فناوری اطلاعات، آموزش، نگرش - های ذاتی جامعه مردسالار، عدم تشویق زنان توسط اعضای خانواده و کمبود سرمایه - های اجتماعی، مهم‌ترین موانع پیش‌روی زنان در توسعه کارآفرینی هستند

ادامه جدول شماره (۱): مروری بر اهداف و نتایج مطالعات صورت گرفته در ارتباط با موضوع پژوهش

نتایج	هدف	محقق
سه عامل عوامل قانونی (شامل سیاست‌ها و قوانین سازمانی و دولتی و سیاست‌های بانکی)، عامل هنجاری (شامل رسم و عادات اجتماعی، دسترسی به سرمایه و پول، و میزان ارتباط با بازار) و عامل شناختی (توانایی کنترل ریسک، آموزش و دسترسی به اطلاعات، دوره‌های آموزش کارآفرینی و دانش کسب و کار) در توسعه کارآفرینی زنان در روستاهای بنگلادش تأثیرگذار هستند.	بررسی عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان در روستاهای بنگلادش	Nawaz (2009)
مهم‌ترین موانع توانمندسازی و توسعه کارآفرینی زنان عبارت‌اند از: موانع بازاریابی برای تولیدات، موانع ناشی از داشتن مسئولیت‌های خانوادگی و نداشتن حق مالکیت دارایی‌هایشان.	توانمندسازی زنان روستایی و توسعه کارآفرینی	Sathiabama (2010)
مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: شرایط و ویژگی‌های فردی، شخصیتی و رفتاری زنان روستایی؛ شرایط و ویژگی‌های خانوادگی؛ دانش و مهارت زنان روستایی (آموزش، تجربه، ارتباطات)؛ شرایط فرهنگی، اجتماعی (جامعه، روستا)؛ دسترسی به امکانات و خدمات مورد نیاز زنان روستایی (در فرآیند راه‌اندازی، اداره و توسعه کسب و کار)؛ عوامل قانونی و حقوقی؛ عوامل مالی و اقتصادی؛ عوامل نهادی و سازمانی؛ شرایط جغرافیایی و عوامل محیطی (محیط روستایی).	تجزیه و تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی در ایران	Movahedi and Yaghoubi-Farani (2012)

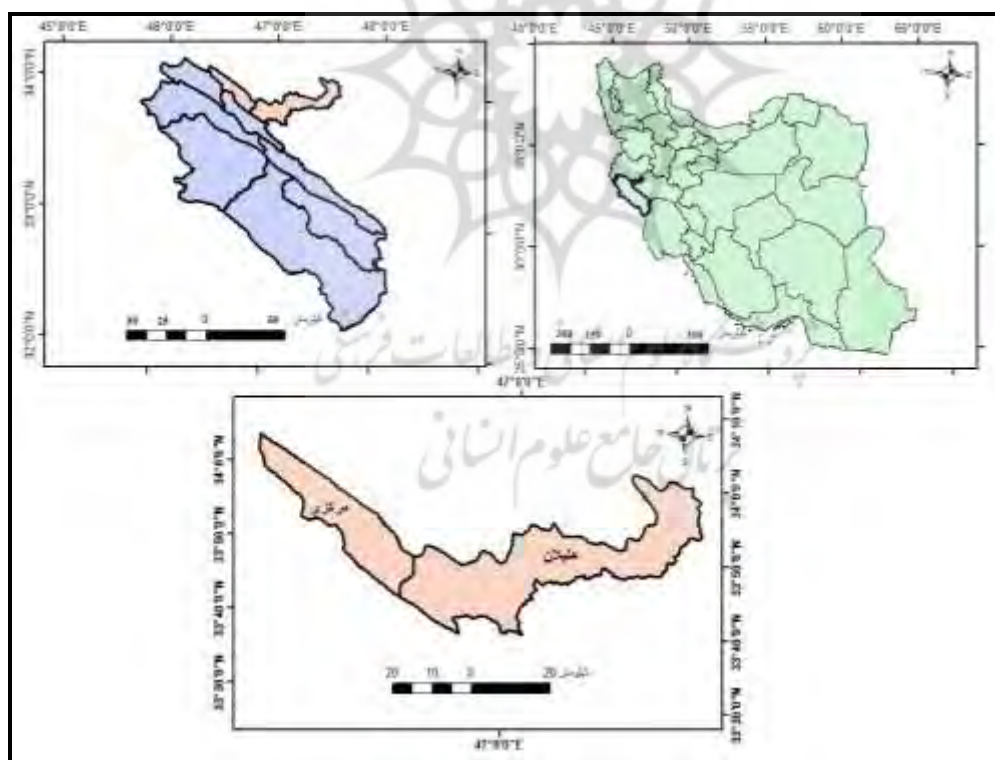
مروری بر مطالعات صورت گرفته در ارتباط با موضوع پژوهش نشان می‌دهد، در مکان‌های مختلف جغرافیایی موانع توسعه کارآفرینی زنان متفاوت بوده و با توجه به بسترهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر منطقه، موانع مذکور متفاوت بوده است.

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی بوده و به لحاظ روش، از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است که به صورت پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان روستایی بیشتر از ۱۵ سال شهرستان چرداول ($N=14439$) تشکیل می‌دهد. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران، با سطح اطمینان ۹۵ درصد ($p \& q = 0/5$) و احتمال خطای ($d = 0/06$)، ۲۶۲ نفر به دست آمد که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی، پرسشنامه‌ها در بین نواحی روستایی شهرستان توزیع گردید. در این مطالعه، با توجه به شرایط جغرافیای محدوده مورد مطالعه، روستاها در سه ناحیه کوهستانی، کوهپایه‌ای و دشتی دسته‌بندی شده و با توجه به جمعیت زنان روستایی هر ناحیه پرسشنامه‌ها با روش انتساب متناسب و به صورت تصادفی در روستاهای هدف توزیع گردید. ابزار اصلی پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده که روایی آن توسط اساتید دانشگاهی (دانشگاه پیام‌نور و علمی کاربردی شهرستان چرداول و دانشگاه ایلام) و کارشناسان مربوطه (کارشناسان فرمانداری، بخش‌داری، جهاد کشاورزی، دفتر توسعه کارآفرینی استان) تأیید گردید. جهت بررسی پایایی ابزار تحقیق،

یک مطالعه راهنما خارج از محدوده مورد مطالعه و در یکی از روستاهای شهرستان روانسر با استفاده از پرسشنامه انجام گرفت و میزان آلفای کرونباخ به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS، ۰/۸۰۷ به دست آمد که حاکی از قابل اعتماد بودن ابزار تحقیق بود. لازم به ذکر است که پرسشنامه در دو بخش کلی طراحی گردید. بخش اول شامل اطلاعات مربوط به ویژگی‌های شخصی پاسخ‌گویان و بخش دوم شامل متغیرهای مربوط به موانع کارآفرینی زنان روستایی که در طیف پنج قسمتی لیکرت (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) طراحی گردید. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمارهای توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات) و تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید.

شهرستان چرداول یکی از شهرستان‌های استان ایلام در غرب ایران است که در اوایل سال ۱۳۹۲، از شهرستان شیروان و چرداول جدا شده و به صورت یک شهرستان مستقل درآمد است. شهرستان چرداول دارای دو بخش، ۵ دهستان و دو شهر است. بر طبق سالنامه آماری ۱۳۹۰ استان، جمعیت شهرستان چرداول برابر با ۵۵۲۲۵ نفر و جمعیت روستایی این شهرستان برابر با ۳۷۹۸۱ نفر است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). شکل (۱)، موقعیت جغرافیای این شهرستان در استان ایلام و کشور را نشان می‌دهد.



شکل شماره (۱): موقعیت جغرافیایی شهرستان چرداول، منبع: نقشه تقسیمات سیاسی کشور، ۱۳۹۰

۴) یافته‌های تحقیق

نتایج در ارتباط با متغیر سن پاسخ‌گویان نشان داد میانگین سنی ۳۳/۶ سال بوده و دامنه سنی افراد مورد بررسی بین ۱۵ سال و ۶۷ سال بوده است. در ارتباط با وضعیت تأهل پاسخ‌گویان، نتایج نشان داد حدود ۷۸ درصد متأهل، ۱۳ درصد مجرد، ۵ درصد مطلقه و ۴ درصد همسرشان فوت شده است. بررسی وضعیت سواد پاسخ‌گویان نشان داد حدود ۱۴ درصد بی‌سواد، ۲۲ درصد دارای سواد خواندن و نوشتن (در حد ابتدایی)، ۱۹ درصد راهنمایی، ۲۵ درصد متوسطه و کمتر از دیپلم، ۱۳ درصد دیپلم و ۷ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. وضعیت شغلی پاسخ‌گویان، حاکی است اکثر افراد مورد بررسی خانه‌دار بوده و در کنار آن در مشاغل مرتبط با زراعت، دامداری صنایع دستی با خانواده همکاری می‌کنند. بررسی وضعیت درآمدی افراد پاسخ‌گو نشان داد میزان درآمد ماهیانه هر نفر به طور میانگین، ۷۵۰ هزار ریال در ماه بوده و میانگین درآمد کل خانوار به طور متوسط ۶۸۰۰۰۰۰ هزار ریال در ماه بوده است. بعد خانوار در محدوده مورد مطالعه ۴/۷ نفر در خانوار بوده است. در ارتباط با میزان آشنایی با مفهوم کارآفرینی و میزان توانایی ایجاد مشاغل جدید در بین افراد مورد مطالعه نتایج نشان داد، حدود ۵۳ درصد پاسخ‌گویان آشنایی در حد زیاد و بسیار زیاد، ۳۴ درصد آشنای در حد متوسط و ۱۲ درصد آشنایی کم و بسیار کمی با مفهوم کارآفرین داشته‌اند. همچنین، نتایج نشان داد اکثر افراد مورد بررسی (حدود ۷۹ درصد)، اعتقاد داشته‌اند که توانایی زیاد و بسیار زیادی را جهت ایجاد مشاغل جدید در خودشان می‌بینند.

۴-۱) اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول

در ارتباط با موانع توسعه کارآفرینی در میان زنان روستایی شهرستان چرداول با استفاده از ضریب تغییرات ۴۳ متغیر رتبه‌بندی شده است. نتایج نشان می‌دهد پنج متغیر نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی، نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی، پایین بودن سطح ریسک جهت فعالیت‌های کارآفرینانه، بالا بودن میزان نرخ بهره بانکی، سیاست‌های حمایتی مقطعی از زنان کارآفرین به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۱۸۱، ۰/۱۹۴، ۰/۲۲۰، ۰/۲۲۴ و ۰/۲۴۹، از نظر زنان روستایی شهرستان چرداول مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی بوده است. همچنین، پنج متغیر مهارت پایین در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین، عدم وجود مشاغل مورد علاقه زنان در منطقه، عدم حمایت رسانه‌های جمعی و مطبوعات محلی از کارآفرینی و زنان کارآفرین، نامناسب بودن شرایط اقلیمی و شرایط توپوگرافی نامساعد، به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۶۰۶، ۰/۶۲۵، ۰/۶۵۸، ۰/۶۶۶ و ۰/۶۹۴، کمترین اهمیت را از نظر پاسخ‌گویان، به عنوان موانع توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی منطقه‌ی مورد مطالعه، داشته‌اند (جدول ۲).

جدول شماره (۲): اولویت‌بندی موانع ۴۳گانه توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	متغیر
۱	۰/۱۸۱	۰/۴۹۲	۲/۷۱	نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی
۲	۰/۱۹۴	۰/۵۶۰	۲/۸۸	نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی
۳	۰/۲۲۰	۰/۶۲۶	۲/۸۴	پایین بودن سطح ریسک جهت فعالیت‌های کارآفرینانه
۴	۰/۲۲۴	۰/۷۰۹	۳/۱۶	بالا بودن میزان نرخ بهره بانکی
۵	۰/۲۴۹	۰/۷۹۱	۳/۱۷	سیاست‌های حمایتی مقطعی از زنان کارآفرین
۶	۰/۲۶۱	۰/۸۲۷	۳/۱۶	اعتقاد نه‌چندان زیاد جامعه به توانایی زنان در امر نوآوری و کارآفرینی
۷	۰/۲۷۶	۰/۹۲۰	۳/۳۳	عدم توانایی در رقابت با مردان در عرصه بازار
۸	۰/۲۷۹	۰/۸۳۱	۲/۹۷	نبود یک سازمان متولی خاص حامی زنان کارآفرین روستایی
۹	۰/۲۸۲	۰/۷۵۱	۲/۶۶	قیمت کم محصولات تولید شده
۱۰	۰/۲۸۵	۰/۸۷۹	۳/۰۸	ضعف امکانات زیرساختی (راه، برق، آب، گاز و ...)
۱۱	۰/۲۹۴	۰/۸۷۱	۲/۹۶	ناتوانی زنان در مقابله با مشکلات یا رویدادهای پیش‌بینی نشده
۱۲	۰/۲۹۷	۰/۹۶۳	۳/۲۴	عدم وجود بازار محلی مناسب برای عرضه محصولات تولید شده
۱۳	۰/۳۳۸	۰/۸۲۹	۲/۴۵	جایگاه ضعیف زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور
۱۴	۰/۳۴۱	۰/۹۶۲	۲/۸۲	عدم باور جامعه به توان زنان در کسب‌وکار
۱۵	۰/۳۴۲	۱/۰۷۹	۳/۱۵	عدم موافقت خانواده برای حضور زنان در بازار کسب‌وکار
۱۶	۰/۳۴۴	۰/۸۴۱	۲/۴۵	برگزاری نامنظم و بدون برنامه کلاس‌های آموزش کارآفرینی زنان
۱۷	۰/۳۵۲	۱/۱۴۵	۳/۲۵	عدم ترغیب و تشویق زنان روستایی به روی آوردن به فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی نهادهای متولی
۱۸	۰/۳۶۲	۰/۹۲۸	۲/۵۶	عدم توانایی جهت پیگیری امور بانکی
۱۹	۰/۳۶۴	۱/۰۸۹	۲/۹۹	وظایف زیاد زنان در خانواده
۲۰	۰/۳۶۵	۱/۱۵۹	۳/۱۷	نبود تضمین خرید محصولات تولید شده از سوی بخش‌های خصوصی و دولتی
۲۱	۰/۳۶۸	۰/۹۰۸	۲/۴۷	دسترسی دشوار به مراکز اعتباری
۲۲	۰/۳۷۰	۱/۰۴۲	۲/۸۱	دسترسی ضعیف به متخصصان و مشاوران فنی
۲۳	۰/۳۸۷	۱/۲۰۸	۳/۱۲	عدم ارتباط با کانال‌ها و منابع اطلاعاتی
۲۴	۰/۳۹۲	۱/۲۲۴	۳/۱۲	عدم ارتباط با کارآفرینان نمونه و موفق کشوری
۲۵	۰/۴۰۵	۱/۰۱۰	۲/۴۹	همکاری اندک مدیران روستایی با زنان
۲۶	۰/۴۰۱	۱/۱۳۹	۲/۸۴	نبود صنف یا سازمان غیردولتی پشتیبان زنان کارآفرین
۲۷	۰/۴۴۱	۱/۳۲۵	۳/۰۰	نبود ارتباط آموزشی بین زنان روستایی و کارآفرینان موفق منطقه
۲۸	۰/۴۴۴	۱/۳۵۵	۳/۰۵	همکاری ضعیف نهادهای مرتبط در خصوص فراهم کردن بستر کارآفرینی (جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن و بخش‌داری)
۲۹	۰/۴۶۰	۱/۲۰۶	۲/۶۲	محدودیت‌های فرهنگی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت
۳۰	۰/۴۸۲	۱/۲۱۲	۲/۵۱	تنوع کم فعالیت‌های اقتصادی روستا
۳۱	۰/۴۸۷	۱/۲۴۳	۲/۵۵	نامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار
۳۲	۰/۴۸۸	۱/۲۸۴	۲/۶۳	سطح سواد پایین زنان روستایی
۳۳	۰/۴۹۱	۱/۳۱۷	۲/۶۸	ناتوانی در شناسایی فرصت‌های محلی برای ایجاد کسب‌وکار جدید
۳۴	۰/۴۹۸	۱/۳۴۷	۲/۷۰	عدم وجود کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و صنایع تبدیلی و تکمیلی جهت همکاری با آنها
۳۵	۰/۵۲۰	۱/۱۳	۲/۱۷	پایین بودن سطح خلاقیت و نوآوری در ایجاد کارهای نو

ادامه جدول شماره (۲): اولویت‌بندی موانع ۴۳گانه توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	متغیر
۳۶	۰/۵۲۵	۱/۱۱۵	۲/۱۲	اعتماد به نفس پایین جهت شروع فعالیت‌های کارآفرینانه
۳۷	۰/۵۲۷	۱/۱۶	۲/۲	اجازه ندادن همسر به اشتغال زنان در بازار و امور تجارت
۳۸	۰/۵۳۵	۱/۱۴	۲/۱۳	ضعف منابع اولیه در روستا (آب و خاک)
۳۹	۰/۶۰۶	۱	۱/۶۵	مهارت پایین در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین
۴۰	۰/۶۲۵	۱/۶۹	۲/۷	عدم وجود مشاغل مورد علاقه زنان در منطقه
۴۱	۰/۶۵۸	۱/۱۴	۱/۷۳	عدم حمایت رسانه‌های جمعی و مطبوعات محلی از کارآفرینی و زنان کارآفرین
۴۲	۰/۶۶۶	۰/۹۸	۱/۴۷	نامناسب بودن شرایط اقلیمی
۴۳	۰/۶۹۴	۱	۱/۴۴	شرایط توپوگرافی نامساعد

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۲-۴) دسته‌بندی موانع توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی شهرستان چرداول

برای بررسی همبستگی درونی و دسته‌بندی کردن موانع توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی شهرستان چرداول در قالب چند عامل محدود و تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هر کدام از عامل‌ها، از روش آماری تحلیل عاملی استفاده شد. هدف از این کار، دستیابی به ابعادی که به صورت پنهانی در مجموعه گویه‌ها وجود دارد ولی به آسانی قابل مشاهده نمی‌باشند، است.

آزمون KMO و بارتلت: در مطالعه حاضر برای شناسایی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول مقدار KMO برابر با (۰/۷۹۰) به دست آمد که نشان‌دهنده وضعیت مناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی است. مقدار بارتلت نیز برابر با ۲۱۵۳/۰۲۹۵ به دست آمد، که در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار بود.

تعیین تعداد و عوامل: برای تعیین تعداد و عوامل در این تحقیق عواملی مورد پذیرش قرار گرفتند که مقدار ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از ۱ باشد. بر این اساس تعداد هشت عامل که مقدار ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از عدد ۱ بود، استخراج گردید. در جدول (۴) تعداد عوامل استخراج‌شده، مقدار ویژه هر یک از آن‌ها، درصد واریانس هر یک از عوامل و فراوانی تجمعی درصد واریانس عوامل آورده شده است.

مقدار ویژه: بیانگر سهم هر عامل از کل واریانس متغیرهاست و هرچه مقدار آن بزرگ‌تر باشد، نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر بیشتر آن عامل است. نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که عامل اول بیش‌ترین سهم (۱۴/۱۵۹ درصد) را در تبیین واریانس کل متغیرهای مربوط به موانع توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی شهرستان چرداول داشته است. همچنین، عوامل دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم و هشتم، به ترتیب ۱۰/۶۰۶، ۹/۵۹۹، ۶/۵۴۲، ۵/۶۶۸، ۵/۰۷۵، ۴/۴۷۸، ۴/۳۷۴، درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

جدول شماره (۳): عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
اول	۵/۷۹۰	۱۴/۱۵۹	۱۴/۱۵۹
دوم	۳/۳۵۴	۱۰/۶۰۶	۲۴/۷۶۴
سوم	۱/۸۹۱	۹/۵۹۹	۳۴/۳۶۴
چهارم	۱/۶۶۲	۶/۵۴۲	۴۰/۹۰۵
پنجم	۱/۴۰۱	۵/۶۶۸	۴۶/۵۷۳
ششم	۱/۲۱۵	۵/۰۷۵	۵۱/۶۴۸
هفتم	۱/۱۷۱	۴/۴۷۸	۵۶/۱۲۶
هشتم	۱/۰۶۱	۴/۳۷۴	۶۰/۵۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۴-۲-۱) نام‌گذاری عامل‌ها

عامل اول: نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که ۹ متغیر در عامل اول بارگذاری شده‌اند، که عبارت‌اند از: بالا بودن میزان نرخ بهره بانکی، نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی، تنوع کم فعالیت‌های اقتصادی روستا، عدم توانایی جهت پیگیری امور بانکی، نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی، عدم توانایی در رقابت با مردان در عرصه بازار، عدم وجود مشاغل مورد علاقه زنان در منطقه، نبود تضمین خرید محصولات تولید شده از سوی بخش‌های خصوصی و دولتی، قیمت کم محصولات تولید شده. این متغیرها ۱۴/۱۵۹ درصد از واریانس کل موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول را تبیین کرده‌اند. به طور کلی با توجه به عوامل بارگذاری شده در این دسته، عامل اول، "اقتصادی" نام‌گذاری شد.

عامل دوم: همان‌طور که ملاحظه می‌شود (جدول ۴)، ۸ متغیر عدم باور جامعه به توان زنان در کسب‌وکار، اجازه ندادن همسر به اشتغال زنان در بازار و امور تجارت، وظایف زیاد زنان در خانواده، نبود صنف یا سازمان غیردولتی پشتیبان زنان کارآفرین، ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار، محدودیت‌های فرهنگی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت، عدم موافقت خانواده برای حضور زنان در بازار کسب‌وکار، اعتقاد نه‌چندان زیاد جامعه به توانایی زنان در امر نوآوری و کارآفرینی در یک عامل بارگذاری شده‌اند. این متغیرها در مجموع ۱۰/۶۰۶ درصد از واریانس کل موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی را تبیین می‌کنند. متغیرهایی که در این عامل بارگذاری شده‌اند بیشتر بر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی تمرکز دارند، از این‌رو، عامل دوم، "ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی" نام‌گذاری گردید.

عامل سوم: با توجه به اینکه ۶ متغیر، سطح سواد پایین زنان روستایی، برگزاری نامنظم و بدون برنامه کلاس‌های آموزش کارآفرینی زنان، عدم ارتباط با کارآفرینان نمونه و موفق کشوری، نبود ارتباط بین زنان روستایی و کارآفرینان موفق منطقه، عدم ارتباط با کانال‌ها و منابع اطلاعاتی، عدم حمایت رسانه‌های جمعی و مطبوعات محلی از کارآفرینی و زنان کارآفرین (دارای قدرت تبیین ۹/۵۹۹ درصد از واریانس کل

برای موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول)، وارد شده در گروه سوم هر کدام به نوعی نشانگر موانع آموزشی و ترویجی در توسعه کارآفرینی بوده است. از این رو، عامل فوق "ناسازگاری آموزشی - ترویجی" نام‌گذاری گردید.

عامل چهارم: نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد متغیرهای ناتوانی در شناسایی فرصت‌های محلی برای ایجاد کسب‌وکار جدید، ناتوانی زنان در مقابله با مشکلات یا رویدادهای پیش‌بینی نشده، پایین بودن سطح خلاقیت و نوآوری در ایجاد کارهای نو، پایین بودن سطح ریسک جهت فعالیت‌های کارآفرینانه، اعتماد به نفس پایین جهت شروع فعالیت‌های کارآفرینانه، که در عامل چهارم بارگذاری شده‌اند، مجموعاً ۶/۵۴۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نمایند. توجه به متغیرهای بارگذاری شده در این عامل، تداعی‌کننده موانع فردی و رفتاری است. از این رو عامل چهارم، "فردی و رفتاری" نام‌گذاری گردید.

عامل پنجم: همان‌طور که ملاحظه می‌شود (جدول ۴)، چهار متغیر دسترسی دشوار به مراکز اعتباری، عدم وجود بازار محلی مناسب برای عرضه محصولات تولید شده، ضعف امکانات زیرساختی (راه، برق، آب و گاز) و عدم وجود کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و صنایع تبدیلی و تکمیلی جهت همکاری با آنها، با تبیین ۵/۶۶۸ درصد از واریانس کل موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول، در عامل پنجم بارگذاری شده‌اند. با توجه به عوامل بارگذاری شده عنوان این عامل "موانع زیرساختی" است.

عامل ششم: قرار گرفتن ۴ متغیر سیاست‌های حمایتی مقطعی از زنان کارآفرین، نبود یک سازمان متولی خاص که حامی زنان کارآفرین در مناطق روستایی کشور، جایگاه ضعیف زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور، همکاری ضعیف نهادهای مرتبط در خصوص فراهم کردن بستر کارآفرینی (جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن و بخشداری)، در یک گروه سبب شد عامل ششم، "موانع سیاست‌گذاری" نام‌گذاری گردد. لازم به ذکر است متغیرهای فوق مجموعاً ۵/۰۷۵۰ درصد از واریانس کل موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی محدوده مورد مطالعه را تبیین کرده‌اند.

عامل هفتم: نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد ۴ متغیر دسترسی ضعیف به متخصصان و مشاوران فنی، مهارت پایین در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین، همکاری اندک مدیران روستایی با زنان و عدم ترغیب و تشویق زنان روستایی به روی آوردن به فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی نهادهای متولی در عامل هفتم بارگذاری شده‌اند. در مجموع متغیرهای واقع در این عامل توان تبیین ۴/۴۷۸ درصد از واریانس کل موانع متغیر وابسته پژوهش را داشته‌اند. با توجه به تمرکز متغیرهای مذکور در زمینه‌های فنی و مدیریتی، عامل هفتم، "فنی - مدیریتی" نام‌گذاری شد.

عامل هشتم: نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، ۳ متغیر ضعف منابع اولیه در روستا (آب و خاک)، نامناسب بودن شرایط اقلیمی، شرایط توپوگرافی نامساعد، ۴/۳۷۴ درصد واریانس کل موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان چرداول را تبیین کرده‌اند. متغیرهای واقع در این عامل، به وضوح بر عوامل محیطی دلالت دارند، لذا، عامل هشتم، "محیطی" نام‌گذاری گردید.

جدول شماره (۴): موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول

بار عاملی	مؤلفه	عامل
۰/۹۳۰	بالا بودن میزان نرخ بهره بانکی	اقتصادی (۱۴/۱۵۹)
۰/۷۱۳	نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی	
۰/۸۱۹	تنوع کم فعالیت‌های اقتصادی روستا	
۰/۹۱۱	عدم توانایی جهت پیگیری امور بانکی	
۰/۹۲۷	نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی	
۰/۸۵۷	عدم توانایی در رقابت با مردان در عرصه بازار	
۰/۷۴۶	عدم وجود مشاغل مورد علاقه زنان در منطقه	
۰/۷۸۱	نبود تضمین خرید محصولات تولید شده از سوی بخش‌های خصوصی و دولتی	
۰/۸۴۴	قیمت کم محصولات تولید شده	اجتماعی - فرهنگی (۱۰/۶۰۶)
۰/۸۸۳	عدم باور جامعه به توان زنان در کسب و کار	
۰/۷۹۵	اجازه ندادن همسر به اشتغال زنان در بازار و امور تجارت	
۰/۸۵۱	وظایف زیاد زنان در خانواده	
۰/۷۳۱	نبود صنف یا سازمان غیردولتی پشتیبان زنان کارآفرین	
۰/۷۹۴	ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار	
۰/۷۵۵	محدودیت‌های فرهنگی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت	
۰/۸۱۲	عدم موافقت خانواده برای حضور زنان در بازار کسب و کار	
۰/۷۱۷	اعتقاد نه چندان زیاد جامعه به توانایی زنان در امر نوآوری و کارآفرینی	آموزشی - ترویجی (۹/۵۹۹)
۰/۸۳۲	سطح سواد پایین زنان روستایی	
۰/۷۸۳	برگزاری نامنظم و بدون برنامه کلاس‌های آموزش کارآفرینی زنان	
۰/۷۹۵	عدم ارتباط با کارآفرینان نمونه و موفق کشوری	
۰/۷۳۴	نبود ارتباط بین زنان روستایی و کارآفرینان موفق منطقه	
۰/۷۶۳	عدم ارتباط با کانال‌ها و منابع اطلاعاتی	
۰/۸۰۶	عدم حمایت رسانه‌های جمعی و مطبوعات محلی از کارآفرینی و زنان کارآفرین	
۰/۷۹۱	ناتوانی در شناسایی فرصت‌های محلی برای ایجاد کسب و کار جدید	
۰/۷۸۰	ناتوانی زنان در مقابله با مشکلات یا رویدادهای پیش‌بینی نشده	
۰/۷۲۵	پایین بودن سطح خلاقیت و نوآوری در ایجاد کارهای نو	
۰/۷۶۴	پایین بودن سطح ریسک جهت فعالیت‌های کارآفرینانه	
۰/۶۹۱	اعتماد به نفس پایین جهت شروع فعالیت‌های کارآفرینانه	
۰/۷۵۹	دسترسی دشوار به مراکز اعتباری	زیرساختی (۵/۶۶۸)
۰/۷۴۲	عدم وجود بازار محلی مناسب برای عرضه محصولات تولید شده	
۰/۶۸۳	ضعف امکانات زیرساختی (راه، برق، آب، گاز و ...)	
۰/۷۲۷	عدم وجود کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و صنایع تبدیلی و تکمیلی جهت همکاری با آنها	
۰/۷۱۵	سیاست‌های حمایتی مقطعی از زنان کارآفرین	سیاست‌گذاری (۵/۰۷۵)
۰/۶۷۶	نبود یک سازمان متولی خاص حامی زنان کارآفرین در مناطق روستایی کشور	
۰/۷۰۶	جایگاه ضعیف زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور	
۰/۶۹۱	همکاری ضعیف نهادهای مرتبط در خصوص فراهم کردن بستر کارآفرینی	

ادامه جدول شماره (۴): موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول

عامل	مؤلفه	بار عاملی
فنی - مدیریتی (۴/۴۷۸)	دسترسی ضعیف به متخصصان و مشاوران فنی	۰/۶۸۱
	مهارت پایین در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین	۰/۵۹۸
	همکاری اندک مدیران روستایی با زنان	۰/۶۵۸
	عدم ترغیب و تشویق زنان روستایی به روی آوردن به فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی نهادهای متولی	۰/۵۵۷
محیطی (۴/۳۷۴)	ضعف منابع اولیه در روستا (آب و خاک)	۰/۶۶۳
	نامناسب بودن شرایط اقلیمی	۰/۵۴۳
	شرایط توپوگرافی نامساعد	۰/۶۱۳

همچنین نتایج جدول فوق نشان می‌دهد در عامل اقتصادی مؤلفه‌های بالا بودن میزان نرخ بهره بانکی نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی به ترتیب با بار عاملی ۰/۹۳۰ و ۰/۷۱۳، در عامل اجتماعی - فرهنگی مؤلفه‌های عدم باور جامعه به توان زنان در کسب و کار و اعتقاد نه‌چندان زیاد جامعه به توانایی زنان در امر نوآوری و کارآفرینی به ترتیب با بار عاملی ۰/۸۸۳ و ۰/۷۱۷، در عامل آموزشی - ترویجی مؤلفه‌های سطح پایین زنان روستایی و نبود ارتباط بین زنان روستایی و کارآفرینان موفق منطقه به- ترتیب با بار عاملی ۰/۸۳۲ و ۰/۷۳۴، در عامل فردی و رفتاری مؤلفه‌های ناتوانی در شناسایی فرصت‌های محلی برای ایجاد کسب‌وکار جدید و اعتماد به نفس پایین جهت شروع فعالیت‌های کارآفرینانه به ترتیب با بار عاملی ۰/۷۹۱ و ۰/۶۹۱، در عامل زیرساختی مؤلفه‌های دسترسی دشوار به مراکز اعتباری و ضعف امکانات زیرساختی (راه، برق، آب و گاز) به ترتیب با بار عاملی ۰/۷۵۹ و ۰/۶۸۳، در عامل سیاست‌گذاری مؤلفه‌های سیاست‌های حمایتی مقطعی از زنان کارآفرین و همکاری ضعیف نهادهای مرتبط در خصوص فراهم کردن بستر کارآفرینی (جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن و بخش‌داری) به ترتیب با بار عاملی ۰/۷۱۵ و ۰/۶۹۱، در عامل فنی - مدیریتی مؤلفه‌های دسترسی ضعیف به متخصصان و مشاوران فنی و عدم ترغیب و تشویق زنان روستایی به روی آوردن به فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی نهادهای متولی به ترتیب با بارعاملی ۰/۶۸۱ و ۰/۵۵۷ و در عامل محیطی مؤلفه‌های ضعف منابع اولیه در روستا (آب و خاک) و نامناسب بودن شرایط اقلیمی به ترتیب با بار عاملی ۰/۶۶۳ و ۰/۵۴۳، مهم‌ترین و ضعیف‌ترین مؤلفه بارگذاری شده در هر عامل بوده است.

(۵) نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد هشت عامل شناسایی شده، ۶۰/۵ درصد از کل واریانس موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول را تبیین می‌کنند که به ترتیب اهمیت عبارتند از: عامل

اقتصادی (۱۴/۱۵۹)، عامل اجتماعی - فرهنگی (۱۰/۶۰۶)، عامل آموزشی - ترویجی (۹/۵۹۹)، عامل فردی و رفتاری (۶/۵۴۲)، عامل زیرساختی (۵/۶۶۸)، عامل سیاست گذاری (۵/۰۷۵)، عامل فنی - مدیریتی (۴/۴۷۸) و عامل محیطی (۴/۳۷۴). یافته‌های فوق با نتایج مطالعات علی میرزایی و طهماسبی (۱۳۸۹)، شریفی و عادل (۱۳۹۰)، همتی‌وینه و همکاران (۱۳۹۱)، علیدوست همکاران (۱۳۹۱)، حیدری ساربان (۱۳۹۱)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۲)، سازمان بین‌المللی کار (۲۰۰۷)، رومی و پاروت (۲۰۰۸)، ساتیاباما (۲۰۱۰) و موحدی و یعقوبی فرانی (۲۰۱۲)، که به عوامل فوق به‌عنوان موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی اشاره دارند، همسو است.

مهم‌ترین مانع پیش‌روی کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول، موانع اقتصادی است که از دلایل آن می‌توان به پایین بودن سرانه درآمد ماهیانه و به‌تبع آن نداشتن پس‌انداز، پایین بودن میزان درآمد خانوار و به تبع آن توان اندک برای حمایت مالی از فعالیت‌های کارآفرینی، ناتوانی در فراهم کردن شرایط دریافت تسهیلات بانکی به‌ویژه در زمینه چندین ضامن معتبر و وثیقه‌های سنگین، و در صورت دسترسی به تسهیلات مذکور بالا بودن نرخ بهره‌ها و کارمزدهای بانکی اشاره کرد. در مجموع این عوامل دست به دست هم داده تا زنان روستایی برای شروع فعالیت کارآفرینی خود با چالش‌های زیادی روبه‌رو شوند.

در ارتباط با عامل اجتماعی - فرهنگی، به‌عنوان دومین مانع توسعه کارآفرین در بین زنان روستایی شهرستان چرداول، می‌توان چنین عنوان کرد که، علی‌رغم اینکه اکثر زنان روستایی اعتقاد داشته‌اند توانایی ایجاد مشاغل جدید را دارا هستند، مشکلاتی از قبیل داشتن مسئولیت‌های درون منزل، وجود فرهنگ مرد سالانه، اعتقاد به نان‌آوری مردان در امور خانوادگی، اعتقاد ضعیف و سنتی جامعه روستایی به توانایی زنان در نوآوری و ابتکار در امور، نبود سازمان‌های اجتماعی حمایت‌کننده از زنان روستایی، مخلفت همسر و سرپرست خانوار با فعالیت بیرون از منزل زنان، هر کدام به نحوی در توسعه کارآفرینی زنان روستایی به‌عنوان مانعی جدی مطرح است.

در ارتباط با عوامل آموزشی - ترویجی، فردی و رفتاری و عامل زیرساختی، که از مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان در منطقه مورد مطالعه شناخته شده‌اند، می‌توان گفت که برگزاری نامنظم دوره‌های کارآفرینی، نبود ارتباط بین کارآفرینان نمونه منطقه و حتی کشوری با زنان روستایی جهت آموزش و یا الگوبرداری از آنها، دسترسی ضعیف به نوآوری‌های به‌روز در خصوص کارآفرینی در نتیجه پایین آمدن سطح خلاقیت و نوآوری در بین زنان روستایی، ترس از ورشکست شدن در صورت بروز حوادث برخلاف انتظار و در نتیجه پایین آمدن میزان اعتماد به‌نفس در بین زنان روستایی، بازاریابی ضعیف به‌واسطه نبود بازارهای محلی و یا هفتگی برای عرضه محصولات تولید شده، دسترسی دشوار به مراکز اعتباری (لازم به

ذکر است فاصله بعضی از روستاهای منطقه تا مرکز شهرستان بیش از ۴۰ کیلومتر بوده و هزینه یک بار رفت و آمد به مراکز شهری، صرف‌نظر از هزینه زمانی، بیش از ۱۰ درصد درآمد میانگین ماهیانه زنان روستایی را به خود اختصاص خواهد داد) به واسطه فاصله زیاد با نقاط روستایی و ضعف خدمات حمل-ونقل، نبود کارگاه‌ها و صنایع تبدیلی و تکمیلی مکمل با فعالیت کارآفرینی در سطح منطقه، از علل واقع شدن این موانع در توسعه کارآفرینی زنان روستایی بوده است.

در ارتباط با موانع سیاست‌گذاری، فنی - مدیرتی و محیطی، به‌عنوان دیگر موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول می‌توان چنین عنوان کرد که سیاست‌های حمایتی محدود نهادهای متولی امور روستایی در حمایت از توسعه کارآفرینی، به‌ویژه در بین زنان روستایی، توجه ضعیف به زنان روستایی در سیاست‌های متمرکز و از بالا به پایین کشور، سردرگمی زنان روستایی در ادارات با توجه به تغییرات زیاد مسئولان و حتی محل فیزیکی مراکز ادارات، عدم همکاری شوراها و دهیاران روستایی با زنان روستایی، نبود سیاست‌های تشویقی در بین مسئولان و دادن وعده‌های کذب به زنان روستایی، آشنایی اندک و محدود زنان روستایی با وسایل و فناوری‌های نوین و در نهایت محدودیت‌های جغرافیایی در سطح منطقه از کمبود منابع آب به‌ویژه در چند سال اخیر اشاره کرد. به‌طور کلی، در راستای توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول، باید دیدگاهی یکپارچه و همه‌جانبه به تمامی موانع شناخته شده داشت. با این وجود در برنامه‌ریزی‌ها باید اولویت را به موانع مهم‌تر در زمینه توسعه کارآفرینی زنان روستایی به‌ویژه موانع اقتصادی داد. از این رو، در راستای توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان چرداول پیشنهادهای زیر را می‌توان ارائه داد.

- اختصاص اعتبارات ویژه زنان روستایی کارآفرین. البته لازم به ذکر است که این اعتبارات دارای شرایطی باشد که زنان توانایی دریافت آن را داشته باشند. به‌عبارتی تسهیلات مذکور اولاً ضامن و وثیقه قابل فراهمی را طلب نمایند و ثانیاً نرخ بهره و کارمزد تسهیلات مذکور تا حد امکان کاهش یابد.
- تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی جهت راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینی زنان.
- بازاریابی مناسب برای محصولات تولید شده با احداث و توسعه بازارهای محلی و فراهم کردن زمینه صدور محصولات به سایر نقاط استان، کشور و حتی کشورهای همسایه و از بین بردن نفوذ واسطه‌های و دلالان جهت خرید محصولات با قیمت ناچیز.
- تشکیل صنف حمایت از زنان کارآفرین.
- دعوت از کارآفرینان نمونه استان و کشور به منطقه جهت ارتباط زنان روستایی با آنها و برگزاری دوره‌های آموزش و کارگاه‌های کارآفرینی و آشنایی بیشتر روستاییان با مزایای کارآفرینی.

- آشنا کردن زنان روستایی با فعالیتهای کارآفرینی که با شرایط محیطی منطقه سازگاری بیشتری دارند به ویژه در زمینههای صنایع دستی، زاعت، دامداری و باغداری.
- تشویق زنان کارآفرین از سوی نهادهای متولی امور روستایی جهت ترغیب بیشتر زنان روستایی به گرایش به سمت فعالیتهای کارآفرینانه.

۶) منابع

- ایمنی قشلاق، سیاوش، فضیله خانی و سیدسعید هاشمی، (۱۳۹۱)، نقش گردشگری در توسعهی کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه تطبیقی: روستای کندون و اسکندان شهرستان ماکو)، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۸، صص: ۲۳۸-۲۱۷.
- جمشیدی، علیرضا، داود جمینی و حمید نظری سرمازه، (۱۳۹۲)، بررسی عوامل پیش برنده و بازدارندهی توسعه کارآفرینی زنان روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال ۴، شماره ۲، صص: ۱۶۶-۱۳۷.
- حیدری ساربان، وکیل، (۱۳۹۱)، اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی (با روش AHP)، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ۱۰، شماره ۲، صص: ۱۷۷-۱۵۹.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حمدالله سجاسی قیداری، (۱۳۸۹)، توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی (تعاریف، دیدگاه‌ها و تجربیات)، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- شریفی، امید و محسن عادل، (۱۳۹۰)، تحلیل عاملی موانع موجود در زمینه کارآفرینی زنان کشاورز از دیدگاه زنان نمونه کشاورز منطقه جیرفت و کهنوج، تحقیقات زنان، سال ۵، شماره ۱، صص: ۱۲۵-۱۱۲.
- علیدوست، سمیه، فرهاد لشگرآرا، سیدجمال‌الدین و فرج‌اله حسینی، (۱۳۹۱)، اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
- علی‌میرزایی، عرفان و مریم طهماسبی، (۱۳۸۹)، موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی دهستان مینوبار آبادان)، اولین کنفرانس سالانه مدیریت، نوآوری و کارآفرینی (۲۷ و ۲۸ بهمن)، شیراز.
- همتی‌وینه، هانا، احمد عابدی سروستانی، غلامحسین عبدالله‌زاده و محمدرضا محبوبی، (۱۳۹۱)، اشتغال خانگی و موانع کسب‌وکار زنان: مطالعه‌ای درباره زنان روستایی شهرستان کرمانشاه، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
- Alison, M. (1990), "Entrepreneurship: An International Perspective", Oxford, Jordan Haill, Linacre House.
- Archibong, C.A. (2004), "Technology, infrastructure and entrepreneurship: Role of the government in building a sustainable economy", School of Business and Economics North Caroliana & T State University.
- Askun, B, Y ld r m, Nihan, (2011), "Insights on Entrepreneurship Education in Public Universities In Turkey: Creating Entrepreneurs Or Not?", Procedia Social and Behavioral Sciences, PP. 663° 676.
- Brandth, B., (2002), "Gender identity in European family farming: a literature review", Sociologia Ruralis 42 (3), 182-200.
- Carter, S., (2005), "Constraints on women enterprise, 27th conference enterprise and small business", University of strathclyed in Glasgow, June 2005, pp. 36-47
- Çelik, Mu, Tatar, M, (2011), "Employment-unemployment Issues and Solution Suggestions Adiyaman Example", Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, Vol. 3, No. 2, pp. 1211- 1226.

- Chowdhury, M.S. (2007), "**Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: the Case of Bangladesh**", Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy, Vol. 1, No. 3, PP. 240-251.
- Cronies, S. (2006), "**Understanding enterprise, entrepreneurship and small business**", Macmillan, asingstoke, (5): 243-246.
- Dabson B., Malkin J., Matthews A., Pate K., Stickle S., (2003), "**Mapping Rural Entrepreneurship**", Washington, D.C.: Corp. for Enterprise Development. 68 p.
- Driga, O., Lafuente, E., Vaillant, Y., (2008), "**Reasons for the relatively lower entrepreneurial activity levels of rural women in Spain**", Sociologia Ruralis 49 (1),72-96.
- Ellis, F. (2003), "**Livelihoods and rural poverty reduction in Kenya**", Development Policy Review, (13):566-571.
- Hrivnak, G. A. & Sherman, C. L. (2010), "**The Power of Nascence: Realizing the Potential of Service-learning in an Unscripted Future**", International Journal of Organizational Analysis, Vol. 18, No. 2, PP. 198-215.
- ILO, (2007), "**Women's entrepreneurship development in Vietnam**", ILO publications.
- Mccline, R.L. (2004), "**Opportunity recognition: An exploratory investigation of a component of the entrepreneurial process in the context of the health care industry: Theory and practice**", Tertiary Education Management, Vol 25. pp: 81-94.
- Minniti, M. (2004), "**Entrepreneurial alertness and asymmetric information in a spin-glass model**", Journal of Business Venturing, Vol. 19 No. 5, pp. 637-58.
- Mohapatra, S. Rozelle, S. & Goodhue, R. (2007), "**The Rise of Self-employment in Rural China: Development or Distress?**", World Development. Vol. 35. No.1, pp: 163- 181.
- Movahedi, R & Yaghoubi-Farani, A. (2012), "**Analysis of the barriers and limitations for the development of rural women's entrepreneurship**", Int. J. of Entrepreneurship and Small Business, Vol15, No 4, pp: 469 - 487.
- Nawaz, F. (2009), "**Critical Factors of Women Entrepreneurship Development in Rural Bangladesh**". U.S.A: Bangladesh Development Research Center (BDRC).
- Petridou, E. and Glavelis, N. (2008), "**Rural women entrepreneurship within co-operatives: training support**", Gender in Management: An International Journal Vol. 23 No. 4, PP.262-277.
- Roomi, M.A. & Parrott, G. (2008), "**Barriers to development and progression of women entrepreneurs in Pakistan**", The Journal of Entrepreneurship, No 17, pp: 59° 72.
- Rotheroe, N., Richards, A. (2007), "**Social Return on Investment and social enterprise: Transparent accountability for sustainable development**", Social Enterprise Journal, Vol 3, pp: 31-48.
- Sathiabama, K. (2010), "**Rural Women Empowerment and Entrepreneurship Development**", From: <http://ideas.repec.org/p/ess/wpaper/id2475.html>.
- Seelos, C. & Mair, J. (2005), "**Social entrepreneurship: Creating new business**", Journal of Business Horizons, Vol 48, pp: 241-246.
- Sen, P. (2009), "**Asoka's big idea: transforming the world through social entrepreneurship**", Futures, pp: 534-539.
- Shane, S., Venkataraman, S. (2000), "**The promise of entrepreneurship as a field of research**", Academy of Management Review, 25: 217° 226.
- Singh, V. and Vinnicombe, S. (2003), "**Women-only management training: an essential part of women's leadership development**", Journal of Change Management, Vol. 3 No. 4, pp. 294-306.
- Stel, A. Caree, M. & Thurik, R. (2004), "**the effect of entrepreneurship on national economic growth: An analysis using the GEM database**", The First GEM Research Conference, Entrepreneurship, Government Policies, and Economic Growth.
- Urbano, D. Toledano, N. & Soriano, D. (2010), "**Analyzing social entrepreneurship from an institutional perspective: Evidence from Spain**", Journal of Social Entrepreneurship, Vol 1, pp: 54-69.